

اهمیت تفکر توحیدی در نقوش هندسی معماری ایرانی

محمد خضری مقدم^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۳

اسماعیل بنی اردلان (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲

چکیده

با آغاز دوره اسلامی فصلی نوین در تزئینات هنر و معماری ایران شکل گرفت. با توجه به منع تصویرنگاری انسان و حیوان در هنر این دوره، هنرمندان مسلمان به خلق تصاویر و اشکال انتزاعی روی آوردند، در نتیجه با ایجاد احکام و ترکیبات شامل نقوش هندسی در صدد بیان اندیشه‌های خاص و نمادین برآمدند. نقوش هندسی نشان می‌دهد که هنر اسلامی نتیجه تجلی وحدت در ساحت کثرت است و بیانگر این امر می‌باشند که همه کثرات به خدای واحد بستگی دارند و سرشت ریاضی وارشان به تعبیری تجلی بیرونی ریاضیات نهفته در ساختار خود قران و تمثیل عددی حروف و کلمات است. هنر و معماری اسلامی علاقمندی به نمادگرایی عددی را به خوبی آشکار می‌سازد و این نمادگرایی عددی در نقوش هندسی به وضوح آشکار است و به جوهر پیام اسلامی که آموزه توحید است اشاره دارند. نقوش هندسی به کاررفته نشان از رابطه علی میان وحی و هنر اسلامی است، بطوریکه اگر هنر اسلامی با صورت و معنای وحی اسلامی پیوند نداشت هرگز قادر نبود از عهده انجام این امر معنوی برآید. این پژوهش با هدف بررسی فرایند به کارگیری و تجلی غیر نظری واقعیت معنوی در نقوش هندسی و رابطه‌ی آن با تفکر توحیدی شکل گرفته است.

کلید واژه‌ها: تزئینات؛ معماری؛ نقوش هندسی؛ توحید

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

khezrimoghaddam@gmail.com

^۲ دانشیار گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

Bani.ardalan@art.ac.ir

قرآن اساس و محور اسلام است و حوزه‌های گوناگون فرهنگ اسلامی؛ فقه، جهان بینی، حقوق، سنن، اخلاق، اقتصاد، بازرگانی، ریاضیات، نجوم، سیاست و از آنجا تا حکمت و عرفان و ادبیات و هنر و صنایع را دربر می‌گیرد. از منظر قرآن و سنت، اسلام مجموعه‌ای از معارف و تعالیم و احکامی است که زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی مسلمین را شامل می‌شود. یکی از خصایص شاخص فرهنگ اسلامی وحدت بخشیدن به دانش و علوم گوناگون و افق‌های مختلف حیات بشری با اتکاء به اصول وحی قرآنی و بر بنیان‌های توحید و یکتاپرستی است. توحید اعتقاد به یگانگی خداوند است و تمام شئون فرهنگی اسلام بر آن استوار می‌باشد. شکل‌گیری هنر اسلامی متأثر از عناصر گوناگون به ویژه ایرانی و بیزانسی بوده است. هنر اسلامی از شیوه‌ای در تزئینات و ارکان خود استفاده می‌کند که مبتنی بر مهمترین اصل اسلام توحید است. به عبارت دیگر هرچیز به میزانی که صفتی الهی را متجلی می‌سازد از کمال یا زیبایی بهره می‌برد. (بورکهارت، ۱۳۷۰: ۲۰)

هندسه

«هندسه [هـ د / هـ د س / س] (معرب، ا)، در عربی به فتح اول به معنی اندازه و شکل باشد» (برهان). از اصول علوم ریاضی است و علمی است که در آن از احوال مقادیرها و اندازه‌ها و از حیث تقدیر بحث شود. «هندسه» معرب «اندازه» می‌باشد که الف اول به هاء و «ز» به «سین» تبدیل شده و الف دوم افتاده است و تبدیل به هندسه شده است و در اصطلاح به علمی گفته می‌شود که درباره مقادیر از لحاظ اندازه‌گیری بحث و بررسی می‌کند و صاحب این علم مهندس نامیده می‌شود. (التهانوی، ۱۹۶۷ م، ۱۵۳۲). «دانستن اندازه‌ها است و چندی یک از دیگر و خاصیت صورت‌ها و شکل‌ها که اندر جسم موجود است». (بیرونی، ۱۳۱۶: ۳). «هندسه آن رشته از ریاضیات است که مطالعه در فضا و اشکال و اجسام قابل تصور در فضا می‌نماید». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۸۳۷) فیثاغوریان نخستین کسانی بودند که به هندسه پرداختند از نظر آنها اصول هندسه ازلی بوده و در معرض تغییر و زوال نیستند (گاتری، ۱۳۷۵: ۱۵۳). افلاطون هندسه را روشن‌ترین قالب زبانی برای توصیف قلمرو مابعد الطبیعی سطح مثال اعلی معرفی می‌کند. (کاپلستون، ۱۳۶۸: ۱۵) از نظر ابن سینا، هندسه علاوه بر بخشی از ریاضیات که اشکال و کمیت‌های آن‌ها را مطالعه می‌کند، معنایی رمزی دارد و به موضوعات ماوراء طبیعی و مفاهیم دیگر نیز اشاره دارد. (اخوان الصفا، ۱۹۵۷: ۷۹-۸۰)

در آراء اخوان الصفا هدف هندسه رهنمون ساختن متعلمان از محسوسات به سوی معقولات و به عبارتی هدایت از امور جسمانی به سوی امور روحانی و رهایی از بند طبیعت و شهوات و لذات جسمانی و دیدار جهان ارواح ذکر شده است. (همان، ۱۰۲) رنه گنون به اهمیت وجه کیفی هندسه چنین اشاره دارد: هندسه مقدس با نمایش واقعیات عالی سازگار است. صور هندسی پایه هر نوع معنی رمزی اشکال یا نمودارها است. (گنون، ۱۳۸۴: ۸)

توحید

قرآن اساس و محور دین اسلام است و حوزه‌های مختلف فرهنگ اسلامی را دربر می‌گیرد از ویژگی های شاخص فرهنگ اسلامی، اتکا به اصول وحی قرآنی و بنیان های توحید و یکتاپرستی است. «از مراتب چهارگانه توحید؛ توحید در عبادت یا توحید عبادی، توحید در ذات یا توحید ذاتی، توحید در صفات یا توحید صفاتی و توحید در خالقیت یا توحید افعالی هستند. توحید نظری به بنیان‌های اندیشه توحیدی نظر داشته و توحید عملی، آثار و نتایج عملی این اعتقاد در زندگی چنین انسانی است» (اکبری، ۱۳۸۹: ۲۱) توحید، منزّه ساختن خداوند از صفات مخلوقات و فرق گذاردن او با همه چیز بدون آنکه از چیزی جدا یا بیگانه باشد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: پایه و اساس خداشناسی منحصر به فرد دانستن خداوند است. هنرمندان مسلمان با تفکر و بینش تنزیهی و توجه عمیق به مراتب تجلیات که از بینش توحیدی اسلام الهام گرفته است، تنزیه و تجرید را بر تشبیه ترجیح داده و با حذف هرگونه تصویر، با انتخاب صور بلورین هندسی سعی در نمایش جوهر توحید برآمدند. به طوریکه تجلی حقیقت جاودانه اصل یگانگی خداوند در یگانگی و تجزیه ناپذیری صورت و معنا و یاقالب و محتوا در هنر اسلامی جلوه‌گر می‌شود.

هندسه‌ی هنر اسلامی

معرفی هندسه نقوش

نقوش اسلامی که به عنوان پوسته بیرونی (تزئین سطوح) هنرهای اسلامی در تزئینات وابسته به معماری (آجرکاری، معقلی، گچبری، گره چینی‌های سفالی و چوبی، ...) نقاشی، دوات‌گری و قلم زنی، درودگری، منبت و معرق، خاتم سازی و صحافی به وفور مورد استفاده قرار گرفته را می‌توان در دو گروه عمده تقسیم بندی کرد.

الف: نقوش شکسته: نقوشی که دارای زوایای مشخص بوده و از اتصال پاره خط‌های منحنی، راست و مورب در یک ترکیب‌بندی ریاضی گونه به وجود آمده‌اند. در این نوع ترکیب‌بندی همه فضا به وسیله ساختار هندسی ترسیم شده پر می‌شود و زمینه و نقوش در اصل یکی است و فضایی اشباع از نقوش هندسی ایجاد شده که حتی به صورت بافت نیز قابل تحلیل است.

ب: نقوش گردان: که شامل نقوش اسلیمی و ختایی می‌شود و شالوده اصلی آن‌ها را خطوط حلزونی (اسپیرال) تشکیل می‌دهد و عناصر دیگر بر اساس این خطوط طراحی و به آن اضافه شده تا کلیتی گردان را ایجاد کنند. (زمرشیدی ۱۳۶۵: ۱)

پیدایش هندسه در هنر اسلامی

از نظر بورکهارت، برای هنرمند مسلمان یا مترادف آن صنعت گر مسلمان که بایست سطحی را تزئین می‌کرده، بی-شک بافت هندسی مطلوب‌ترین صورت ذهنی بوده است، زیرا بیان مستقیم فکر وحدانیت خداوند در پس کثرت بی-حد عالم است. بورکهارت در پیش‌گفتار کتاب "نقش‌های هندسی در هنر اسلامی" نوشته‌ی السعید و پارمان^۱، باز هم هندسه‌ی مقدس هنر اسلامی را به مفهوم توحید مرتبط دانسته است. پس اینکه هنرمندان مسلمان همه انتظام‌های هندسی مربوط به تقسیم منظم دایره را کشف کرده‌اند عجیب نیست. حقیقت این است که در جهان‌بینی اسلام پیش از مواجهه با علم یونانی، چیزی وجود داشت که شاید بتوان آن را «مکتب فیثاغورثی ابراهیمی» نامید. از دید مسلمانان فیثاغورث حکیمی مسلمان بود و در نتیجه اندیشه‌هایش در عالم اسلامی به سهولت قابل جذب بود. سرشت ریاضی-وار هنر و معماری اسلامی از تأثیرات تاریخی خارجی، چه مربوط به یونان و چه هر جای دیگر ناشی نمی‌شود، بلکه منبعث از قرآن است که ساختار ریاضی‌وار خیره‌کننده‌ای دارد و از ارتباط شگفت‌انگیز میان علقه‌های عقلی و معنوی اسلامی و ریاضیات پرده برمی‌دارد. سرشت ریاضی‌وار هنر اسلامی به تعبیری تجلی بیرونی ریاضیات نهفته در ساختار خود قرآن و تمثیل عددی حروف و کلمات آن است. فلسفه‌ی ریاضی فیثاغورثی را زبان خاص و علم ساخته پرداخته-ای برخوردار از سرشتی باطنی پدید آورد که ریشه‌های آن به مصر و بابل می‌رسید و (ریاضیات معنوی)، که در معماری اسلامی و آن چه اصطلاحاً هنرهای تزئینی خوانده می‌شود نقشی چنین اساسی دارد، با استفاده از این زبان و

^۱ El.Said and Parman, ۱۹۷۶.

علم خاص شکل گرفت. به این سان، اصل (وحدت) عیان‌تر می‌شد و فضای اسلامی خاصی که مسلمانان در آن زندگی روزمره خود را می‌گذراندند و در ضمن به عبادت می‌پرداختند، تقدس می‌یافت. (نصر، ۱۳۸۹، ۶۰)

رمز هندسی نقطه

در آراء اخوان الصفا از نظم یافتن نقاط، خطوطی پدید می‌آید که دارای طول قابل دید است. (اخوان الصفا، ۱۹۵۷، ۸۹) نقطه؛ نماد مرکز، مبدأ و در برگیرنده دایره است. در آراء قدما نقطه واحد اول است؛ از آن، خط و از خط، سطح و از سطح، حجم تشکیل می‌یابد. جهات اصلی با بسط نقطه به ظهور می‌رسند. نقطه، اصل فاقد شکل از موجودات و جهان است. (سجادی، ۱۳۸۱، ۷۷۰-۷۷۱) نقطه در مرکز دایره، دربردارنده تمامیت و یکپارچگی شعاع‌ها و خطوطی است که از مبنایی مشترک و هماهنگ با یکدیگر نشأت می‌گیرند. تمامیت و یکپارچگی این خطوط در این نقطه مرکزی، در اوج کمال خویش است و به اعتباری می‌توان گفت؛ دایره خود نقطه‌ای است گسترش یافته و نقطه رمز مطلق یا جوهر اعلی است. تیتوس بورکهارت در اهمیت نقطه چنین می‌نویسد: «گوی یا دایره از پیامد مشعشع نقطه که اصل است حاصل می‌شود». (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۸۷)

نقطه در علم اعداد، برابر با عدد یک تلقی می‌گردد. اخوان الصفا به تأثیر از نظر فیثاغوریان عدد یک را رمز نقطه و وحدت می‌دانند. (کاپلستون، ۱۳۶۸، ۴۵) جوانگ دسو [حکیم چینی ۳۰۰ ق. م] می‌گوید: نقطه اصل مراقبه و غایت پیوستگی روحی را در بر می‌گیرد. (شوالیه، ۱۳۸۷، ۴۴۲)

رمز هندسی خط

اخوان الصفا انواع خط را بر سه نوع می‌دانند؛ مستقیم، قوسدار و منحنی: خط مستقیم که با خط کش کشیده می‌شود. خط قوس‌دار که با پرگار و خط منحنی که مرکب از دو مورد بالا. (اخوان الصفا، ۱۹۵۷، ۸۲-۸۳) از ویژگی‌های رمزی خط به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود: در آراء فیثاغوریان، خط عبارت است از عدد دو به عبارتی دو عدد خط است. زیرا دو اولین حاصل تقسیم است. یعنی واحد اول به دو تقسیم می‌شود و سپس به سه و اعداد بعدی. لذا تعریف خط را بنابر نظر فیثاغوریان، اولین محصول تقسیم می‌نامیم. (گاتری، ۱۳۷۵، ۱۹۰-۱۹۱) خط عبارت است از عالم ارواح که از نزدیک‌ترین مراتب وجود به حق است. خط، رمز غیب هویت در تجرد و بی‌نشانی است. (التهانوی، ۱۸۶۲م، ۴۳۵) خط در نزد سالکان، اشاره به تعینات عالم ارواح است که اقرب مراتب وجود می‌باشد. نیز گفته‌اند که

مراد از خط، عالم کبریایی یعنی عالم ارواح مجرد است. و نیز گفته‌اند که خط عبارت از ظهور تعلق ارواح به اجسام. (سجادی، ۱۳۸۱)

رمز هندسی سطح

سطح شکلی است که خط یا خطوطی آن را احاطه می‌کند. در آراء اخوان الصفا سطح به معنای بام و بالای هر چیز است و دارای طول و عرض است (التهانوی، ۱۸۶۲ م، ۶۳۷). سطح از لحاظ کیفیت یا چگونگی بر سه نوع مسطح، مقعر و مقبب می‌باشد. مسطح همانند لوح و مقعر همانند ته ظروف و مقبب (محدب) همانند پشت قبه‌ها می‌باشد.

سطوح مسطح بر دو دسته هستند: سطوحی که توسط خط قوسی و یا خط مستقیم بوجود می‌آیند. از دسته اول می‌توان به دایره، بیضی و نیم دایره اشاره نمود. دسته دوم از سطوح مسطح، اشکالی هستند که خطوط مستقیم آنها را احاطه می‌کنند و برای مثال می‌توان به مثلث، مربع، پنج ضلعی، شش ضلعی و هشت ضلعی اشاره نمود. (اخوان الصفا، ۱۹۵۷، ۹۲-۹۳ و ۸۸-۸۹)

رمز هندسی مثلث

زمانی که سه دایره در خارجی‌ترین نقاط خود با یکدیگر مماس شوند اولین چند ضلعی یعنی مثلث بوجود می‌آید. به نقل از بلخاری ابن سینا در فصلی از طبیعیات کتاب شفا برای عناصر اشکال هندسی قائل می‌شود. او معتقد است چهار عنصر سطوح را می‌سازند که الزاماً باید مستقیم باشند و چون ساده‌ترین شکل‌ها مثلث است پس همه اجسام از مثلث ساخته می‌شوند. آتش به شکل هرمی است که قاعده آن چهار مثلث است و آب شکلی است از بیست قاعده مثلث و هوا از هشت قاعده مثلث و خاک مکعبی است که از سطوح مربع ساخته می‌شود و مربع بالقوه از مثلث‌ها ساخته می‌شود. (بلخاری، ۱۳۸۶: ۶۵) مثلث رمز مراتب سه‌گانه نفس؛ اماره؛ لواحه و مطمئن به شمار می‌آید و انسان‌ها برای رسیدن به کمال باید این سه مرحله اساسی را پشت سر بگذارند. مثلث بیانگر سه جهان علوی، دنیوی و دوزخی است و با تقسیم سه‌گانه انسان؛ روح، نفس و بدن تطابق دارد. (چیتیک، ۱۳۸۶: ۸۸) در رساله هندسه از مجموعه رسائل اخوان الصفا مثلث اولین شکل هندسی است. نقطه و خط رمز اعداد ۱ و ۲ و سطح، رمز عدد ۳ بوده که از مثلث و یا مثلث‌هایی ترکیب یافته است.

رمز هندسی دایره

دایره از گستردگی نقطه آغاز می‌شود. نقطه نخستین واحد است که از آن خط، از خط سطح و از سطح حجم حاصل می‌شود. (گاتری، ۱۳۷۵: ۱۹۶) در واقع اعتقاد به مبنای مشترک اجزایی است که هماهنگ با یکدیگر از یک سرآغاز نشأت می‌گیرند که در مرکز قرار دارد و نقاط منبعث از آن همسو با هم در این نقطه مرکزی به اوج می‌رسند. همان‌گونه که بورکهارت اشاره دارد دایره، خود نقطه‌ای ست گسترش یافته و نقطه، رمز مطلق یا جوهر اعلی است. (بورکهارت، ۱۳۶۰: ۸۷) این شکل هندسی در نگرش دانشمندان مسلمان جایگاهی ویژه دارد. هم در رساله فارابی و هم در رساله بوزجانی [ریاضیدان برجسته قرن چهارم] دایره که حجم های کروی و حرکات اجرام آسمانی برطبق آن است منزلتی خاص دارد و در رساله بوزجانی برای ترسیم همه چند ضلعی‌های منتظم مسطحه از آن استفاده شده است. (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۸۱)

- دایره را سیر از حق به خلق و از خلق به حق، رمز فنا و بقاء، رمز تجلی صفات ظاهری و باطنی خداوند، حرکت پیوسته و مدور ابدیت، اتصال انسان به عقل در دایره وجود، تمامیت و کمال آفرینش، حرکت دورانی روح و خرد، وحدت و هماهنگی در سرتاسر عالم، بازگشت همه چیز به سوی خداوند، تکوین اجزای عالم، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت و مراتب اولوهیت و مألوهیت می‌دانند.

رمز هندسی مربع

مربع از مهم‌ترین اشکال هندسی است و به عنوان یکی از عمده‌ترین صورت‌های رمزی شناخته شده است. مربع شکلی است ایستا و با ثبات، با اضلاع و زوایایی برابر که احساسی از سکون، استحکام، حصار، کمال و استقرار را برمی‌انگیزاند. مربع در حد چهار یکی از ایستاترین شکل‌ها و نماینده متسجم‌ترین و باثبات‌ترین جنبه خلقت است. مربع شکلی متعادل است که از ترکیب خطوط عمودی و افقی یک اندازه حاصل می‌شود. (اکبری و همکاران، ۱۳۸۹:

(۱۵)

«مربع» در فرهنگ اسلامی به عنوان یکی از مهمترین صورت های رمزی شناخته شده است. مربع از نگاهی رمز متجسدترین صورت خلقت در حد زمین به عنوان عالم ارض، رمز انفعال و جسم، حدود، ابعاد یتناهی عالم، ماده، تجسم است و از نگاهی دیگر، رمز ایستایی، ثبات، استواری، ثابت ترین جنبه خلقت، طبیعت پاینده و برقرار مبدأ، رمز عناصر اربعه و عرش الهی است.

مربع، رمز عرش الهی است، امام جعفر صادق (ع) عرش را مربع خوانده اند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ۵)

ابن عربی در معرفت و شناخت حاملان عرش الهی می‌نویسد: مراد از عرش در زبان و عرف عرب، یا ملک و سلطنت است و یا تخت معمولی. اگر مراد از عرش، ملک و سلطنت باشد حاملان آن قائم بدان خواهند بود و اگر عرش عبارت از تخت معمولی باشد، حاملان اش کسانی‌اند که تخت درقوام، قائم بدانان است. (ابن عربی، ۱۳۸۳، باب ۱۸۷) اگر عرش به معنای سریر و تخت باشد، خداوند را فرشتگانی است که آن را بر دوششان حمل می‌کنند «ویحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمانیة» (سوره حاقه، آیه ۱۷) و آنان امروز چهاراند و فردای قیامت هشت می‌باشند و این به جهت حمل به زمین محشر می‌باشد.

هندسه، بیان رمزی «توحید» در هنر و معماری اسلامی

در بینش اسلامی کمال یا زیبایی هر چیز در ستایش و تمجید او نسبت به خداوند قرار یافته است. به عبارت دیگر، هرچیز به میزانی که صفتی الهی را متجلی می‌سازد از کمال یا زیبایی بهره می‌برد. «نقوش و اشکال هندسی؛ مربع، مثلث، دایره، اشکال صرف نبوده، بلکه ذاتاً واقعیتی را دربردارند که درک آنها از راه تأویل، آدمی را به عالم مثال و سرانجام به حقیقت رهنمون می‌سازد.» (اردلان، ۱۳۸۰، ۲۷)

هندسه‌ی قدسی می‌خواهد حرکت منظوم از یک بی‌شکلی غیر مشخص به یک شبکه‌ی بی‌پایان اشکال متداخل را ثبت کند و این گذار اسرار آمیز را با نمادهای خود قابل رؤیت سازد.

یکایک هنرها در ادوار اسلامی تلاش خود را برای جستن و نیل به وحدت معطوف داشته‌اند. وجود تناسبات و نیز مرکزیت در نقوش هندسی، ضمن آن که موجب لذت انسان از هماهنگی بناها، تناسبات فضاها و اشکال و نقوش می‌گردد، راهنمای وی در مراتب سیر و سلوک وادی‌ها و گذرگاه‌های حقیقت و هدایت وی به جایگاه حقیقی خویش است و می‌توان به این نکته اشاره نمود که هدف هنر اسلامی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناخت شأن ازلی خویش یاری می‌رساند. جوهره کیفی همه نقوش و اشکال و صور بنیادین هندسی در هنر و معماری اسلامی، گرایش به تقارن و توجه به نقطه مرکزی است. ارتباط نقوش با این نقطه، سطوح مختلف هندسی، رمزی از شئون و حالات متعدد هستی را به وجود آورده که در ساختار مبتنی برسلسله مراتب به وحدت وابستگی می‌یابند. صور هندسی که نسبت به مرکزشان قرینه‌اند، نمادی از «وحدت در کثرت» را ارائه می‌دهند که بیانگر نخستین اصل اسلام توحید است.

گرچه وحدت خود یک حقیقت کاملاً عینی است، لیکن به نظر انسان یک مفهوم ذهنی و انتزاعی جلوه می‌کند. اساس تصاویر و نقوش در هنر اسلامی بر تعادل و نظم و قواعد مشخصی است که در ساختار آثار هنری به کار می‌آید و اصل کیفی و اساسی که قابلیت ماندگاری و زیبایی آنهاست، منبعث از تفکر توحیدی است که با قوانین و تناسب اجزا اثر هنری را در تناظر با حقیقت معنوی قرار می‌دهد. هنر اسلامی به ماده شرافت روحانی می‌بخشد و هدف آن عیان نمودن جوهر هنر یعنی زیبایی است و همواره با روح اسلام که همانا توحید است سازگاری دارد. (نصر، ۱۳۸۰ : ۴۳۹) آنچه از دیدگاه اسلامی حائز اهمیت و اعتبار است، این است که بدانیم در تلاش برای یافتن مبادی آفرینش، جهت حرکت رو به پشت نیست، بلکه رو به درون است. (کریچلو، ۱۳۹۰، ۱۷)

نتیجه‌گیری

هنر اسلامی از اصل توحید یعنی از تسلیم در برابر یگانگی خدا و شهود آن حاصل می‌شود. اصل یگانگی خداوند حقیقت جاودانه‌ای است که هنرمند از طریق شهود عقلی به آن دست می‌یابد. سرشت ریاضی هنر اسلامی نهفته در ساختار قرآن و سمبولیسم عددی، حروف و کلمات آن است. اگر در معماری قدسی اسلام، که برای تقدیس پروردگار خلق شده است، نقش‌های هندسی، که خود متناظر با ساختار درونی طبیعت است، نقوش و اشکال هندسی پیش از آنکه کمیت‌های مقداری باشند دارای کیفیت‌های معنایی بوده و از معانی رمزی و باطنی برخوردارند. قوانین هندسی انتظام و تناسب در همه اجزای هستی بیان امر وحدت در عالم است. وحدت جاری در نظام آفرینش به بنیادی‌ترین اصل دین اسلام توحید اشاره دارد. هنرمند وحدت هستی در نظام آفرینش کیهان و طبیعت را در صورت کیفی هندسه خلق می‌کند. این دسته از نقوش با تبعیت از قوانین هندسی، بیشترین امکان را برای ظهور رمز یگانگی وحدت و امر توحید فراهم می‌آورند.

کتاب‌نامه

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- اخوان الصفا (۱۹۵۷)، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا، المجلد الاول، القسم الرياضی، بیروت، دار بیروت و دار صار
- ۳- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۰)، حس وحدت، ترجمه و نداد جلیلی، تهران، علم معمار.
- ۴- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۶)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، چاپ دوم، تهران، نشر سوره مهر.

- ۵- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰)، روح هنر اسلامی، ترجمه سید حسین نصر، از مجموعه مبانی هنر معنوی، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.
- ۶- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۶)، مبانی هنر اسلامی، ترجمه و تدوین امیر نصری، چاپ اول، تهران، انتشارات حقیقت.
- ۷- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹)، ارزش های جاودان در هنر اسلامی، به کوشش سید محمد آوینی، تهران، برگ.
- ۸- بیرونی، ابوریحان (۱۳۱۷)، التفهیم لاوایل صناعه التجمیم، به تصحیح جلال الدین همایی، تهران، چاپخانه مجلس.
- ۹- تهانوی، محمد علی بن علی (۱۸۶۲)، کشف اصطلاحات الفنون، تهران، نشر خیام و شرکا.
- ۱۰- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۸)، درآمدی بر تصوف، ترجمه محمدرضا رجیبی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد چهارم، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۲- سجادی، سید جعفر (۱۳۶۱)، فرهنگ علوم عقلی، تهران، انجمن علمی حکمت و فلسفه ایران.
- ۱۳- کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸)، تاریخ فلسفه- فلسفه یونان و روم، سیر جلال الدین مجتبوی، جلد اول، تهران، سروش و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۴- کریچلو، کیت (۱۳۹۰)، تحلیل مضامین جهان شناختی نقوش اسلامی، ترجمه سید حسن آذرکار، تهران، نشر حکمت، چاپ اول.
- ۱۵- گاتری، دلبیو. کی. سی (۱۳۷۵)، تاریخ فلسفه یونان- فیثاغورث و فیثاغورثیان، ترجمه مهدی قوام صفری، تهران، فکر روز.
- ۱۶- گنون، رنه (۱۳۸۴)، سیطره‌ی کمیت و علائم آخرالزمان، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.
- ۱۷- نجیب اوغلو، گلرو (۱۳۸۹)، هندسه و تزیین در معماری اسلامی، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران، نشر روزنه، چاپ دوم.
- ۱۸- نصر، سیدحسین (۱۳۸۹)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، نشر حکمت، چاپ اول.
- ۱۹- نصر، سیدحسین (۱۳۹۰). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم.